

بررسی و نقد برخی دیدگاه‌های نولدکه درباره جمع قرآن

دکتر سید محمد باقر حجتی*

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

سید عقیل نسیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد

چکیده

جمع و تدوین قرآن در دوره‌های مختلف از مسائل مهم حوزه تاریخ قرآن است که قرآن‌پژوهان مسلمان و غیرمسلمان اهتمام ویژه بدان داشته‌اند. تئودور نولدکه آلمانی (Theodor Noldeke) یکی از شخصیت‌های خاورشناس است؛ که در کتاب «تاریخ قرآن» توجه زیادی به جمع و تدوین قرآن از خود نشان داده است.

مطالعات مستشرقان با توجه به پیش فرض آنان، منابع محدود و روش تحقیق ویژه‌ای که دارند، قابل نقد و تامل جدی است، لذا در این مقاله سعی می‌شود پاره‌ای از دیدگاه‌های مهم وی مانند دلایل جمع قرآن در زمان پیامبر، حافظان و جمع‌کنندگان وحی، واژه جمع، و نیز تفاوت‌ها و شباهت‌های دیدگاه‌های او با محققان اسلامی بررسی شود.

واژه‌های اصلی: قرآن، مستشرقان، تئودور نولدکه، جمع قرآن.

یکی از معروف‌ترین و مهم‌ترین آثار قرآن‌پژوهی غرب در دو سده اخیر «تاریخ قرآن نولدکه» است. این کتاب نخست در سال 1856م، در قالب پایان‌نامه‌ای به زبان لاتین به قلم تئودور نولدکه (1836 - 1930) به رشته تحریر درآمد و او توانست با رتبه ممتاز از رشته شرق‌شناسی و زبان‌های سامی در دانشگاه گوتینگن آلمان فارغ التحصیل شود. اندکی بعد، به سبب توجه فراوان به مطالعات اسلامی، آکادمی ادبیات پاریس اقدام به برگزاری مسابقه‌ای در زمینه تاریخ‌نگاری پژوهشی قرآن کرد. نولدکه با شرکت در این مسابقه همراه با آلویس شیرنگر و میکله آماری به طور مشترک جایزه این مسابقه را از آن خود کردند. snouck- Hurgonije , p. 246 , (Bell & Watt ,) p.175 و هر یک سیصد و سی سه فرانک جایزه گرفتند. سه سال بعد (1860 م) کتاب تاریخ قرآن نولدکه در گوتینگن آلمان انتشار یافت.

(Theodore Noldeke ,Geschichte des Qorans , Gottingen ,1860).

بعد از حدود 40 سال از انتشار کتاب، ناشر از مؤلف خواست با بهره‌گیری از مطالعات جدید، کتاب را بازنگاری کند. نولدکه به دلیل کار و سن زیاد از این کار عذر خواست و شاگردش فریدریش شوالی (1863 - 1919م) را برای این کار معرفی کرد. شوالی با استفاده از اطلاعات و مطالعات جدید و بهره بردن از یادداشت‌های شخصی نولدکه و نظرات انتقادی برخی محققان غربی، جلد نخست از ویرایش دوم این اثر را در سال 1909 م منتشر کرد. ویرایش دوم 40 سال (1898-1938م) طول کشید. دو جلد آن را شوالی زیر نظر نولدکه در سال 1909م و 1919م بازنگری و منتشر کرد؛ اما نولدکه اندکی پیش از انتشار جلد دوم در گذشت و شوهر خواهرش «هاینریش تسیمرن»، کار چاپ را به انجام

رسانید. برای جلد سوم کتاب نیز، هر چند یادداشت‌های اولیه فراهم آمده بود، اما 20 سال کار مشترک و پی در پی گوتهلف برگشتراسر (1886 - 1933م) و اتوپرتسل (1893-1941م) لازم بود تا به شکل نهایی‌اش در سال 1938 م درآید؛ بنابراین از آغاز تحریر نخست تاریخ قرآن، تا شکل نهایی آن، نزدیک به 80 سال طول کشید. نسخه‌هایی که همواره پس از آن تجدید چاپ شد، اجزای سه‌گانه‌ای دارد که به ترتیب در 1919، 1909، 1938م منتشر شده است. (Noldeke & Schwally, vol. 2, p. Iii, Bell & Watt, p. 175-176).

عناوین سه جلد اصلی تاریخ قرآن:

جلد اول. اصل و منشأ قرآن: بازنگاری فریدریش شوالی است و به بررسی تفصیلی نظام تاریخ‌گذاری چهار مرحله‌ای قرآن در مکه و مدینه می‌پردازد.

جلد دوم. جمع و تدوین قرآن: بازنگاری فریدریش شوالی است و در نیمه بحث، به معرفی مهم‌ترین آثار قرآن پژوهی و اسلام‌شناسی غربیان و مسلمانان تا آن زمان اختصاص دارد.

جلد سوم. تاریخ متن قرآن: بازنگاری گوتهلف برگشترسر و اتوپرتسل است، که در آن بررسی‌های دقیقی راجع به تاریخ رسم‌النخط و مباحث قرائات آمده است. با گذشت صد و پنجاه سال از تحریر نخست کتاب، ترجمه‌ای از آن، حتی به دیگر زبان‌های اروپایی، ارائه نشده بود. امین خولی در مقاله «تفسیر» خود در دایرةالمعارف الاسلامیه می‌گوید: یکی از دانشجویان مصری کتاب را با کمک و مشاوره اساتید آلمانی و عرب ترجمه کرد، اما به دلیل مشکلاتی ناچیز در دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره، انتشار نیافت. در ایران نیز نزدیک به 40 سال پیش شهید سید محمد حسینی بهشتی؛ جلد نخست این کتاب را به فارسی برگرداند که آن نیز به صورت دست‌نوشته باقی مانده است.

حدود 6 سال قبل دوره کامل سه جلدی تاریخ قرآن به همت دکتر جرج تامر و با همکاری سه تن دیگر، (عبله معلوف (همسر وی)؛ دکتر خیرالدین عبدالهادی و دکتر نقولا ابومراد) به عربی ترجمه و توسط ناشر و سرمایه‌گذار اصلی آن، یعنی مؤسسه کنراد - آدناور، در ماه آخر 2004 م در آلمان و برخی کشورهای عربی انتشار یافت.

مشخصات کتاب چنین است: تئودور نولدکه، تاریخ‌القرآن، بازنگری فریدریش شوالی، ترجمه به اهتمام جرج تامر، برلین و بیروت: مؤسسه کنراد - آدناور، 2004. سه جلد xxxvi+841 صفحه.

همچنین مرتضی کریمی نیا پنج فصل از جلد دوم کتاب را در مجله «علوم حدیث و ترجمان وحی»، ترجمه کرد (مجله علوم حدیث، س دهم، ش 1-2، و ترجمان وحی، سال دهم، ش 1).

از آن‌جا که نولدکه، صد سال پیش این کتاب را نوشت، ایرادهایی به آن وارد است، از جمله: محدود بودن منابع؛ به خصوص غفلت از منابع شیعه و مخطوط بودن آن. از این‌رو مطالعات قرآنی وی نیازمند نقدهای اساسی است. در این مقاله پاره‌ای از دیدگاه‌های نولدکه در باب جمع و تدوین قرآن نقد و بررسی می‌شود.

دیدگاه‌های نولدکه در مورد جمع قرآن

جمع قرآن در عصر پیامبر نبود!

«بدیهی است که قرآن در زمان پیامبر جمع نشده است؛ زیرا روایتی از زید بن ثابت وجود دارد که اشاره می‌کند در زمان پیامبر قرآن به هیچ وجه گردآوری نشد؛ ولی دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که به اخبار و روایاتی استناد می‌کنند تا نسخهٔ تدوین یافته به دست ابوبکر را ثابت کنند. بنابراین، بر اساس این روایات، خلیفه نخست با نصوص و حیاتی پراکنده و پاره پاره روبه رو بود و یا آن چنان که سیوطی تفسیر می‌کند این آیات در یک جا گردآوری نشده بود و سوره‌ها نیز مرتب نبودند... اما این سخنان با نتایجی که در فصل قبل در مورد وحدت ادبی و ساختار سوره‌ها و نقش خود پیامبر در تکمیل برخی سوره‌ها بیان شد، ناسازگار است» (نولدکه، 240).

بررسی

بعضی از دانشمندان اسلامی بر این عقیده‌اند که قرآن کریم به موجب دلایل و شواهد فراوان در عصر رسالت و زیر نظر شخص پیامبر جمع‌آوری و تدوین شد و هنگامی که آن حضرت از دنیا رفت، علاوه بر مصاحف شماری از صحابه، یک مصحف کامل در خانه حضرت بود.

از جمله دانشمندان قرآن‌پژوهی که در دوره‌های مختلف، بر این نکته تأکید و اصرار دارند، این افراد هستند:

خازن و زرقانی (عاملی، سید جعفر، حقایقی مهم پیرامون قرآن کریم، 63)؛ زرکشی، محمد بن عبدالله (البرهان فی علوم القرآن، 1، 238 - 240)؛ ابن حجر، احمد بن علی، (فتح الباری، 9-10)؛ شیخ حرّعاملی (شرف‌الدین، سید عبدالحسین،

الفصول المهمة في تأليف الامة، 166)؛ سيد بن طاووس (همو، اجوبة موسى جارالله، 29-30)؛ عاملی، سيد شرف الدين (الفصول المهمة في تأليف الامة، 166)؛ خويی، ابوالقاسم (البيان في تفسير القرآن، 257-278)؛ عسکری، سيد مرتضى (القرآن الكريم و روايات المدرستين، 188)؛ دروزه، محمد عزه (تاريخ قرآن، 55)؛ حجتی، سيد محمد باقر (پژوهشی در تاريخ قرآن كريم، 231-232)؛ عاملی، مرتضى (پژوهشی نو درباره قرآن كريم، 92-97)؛ رامیار، محمود (تاريخ قرآن، 281).

محمد حسين علي صغير از قرآن پژوهان معاصر تصريح دارد که «کاوش علمی بیانگرایان واقعیت است که همه قرآن در عصر پیامبر نوشته و گردآوری شد؛ چنان که ابن حجر همین نظریه را برگزیده است» (صغیر محمد حسین، تاريخ القرآن، 85 - 87).

برای اثبات این دیدگاه اندیشمندان اسلامی، به چند دلیل و شاهد استناد می‌کنیم.

1. جایگاه ویژه قرآن

به عقیده مسلمانان اسلام آخرین شریعت توحیدی است که همه شرایع پیشین را نسخ نمود و پس از آن شریعت جدیدی از سوی خداوند نخواهد آمد و رسول خدا در آیات قرآن، به عنوان پایان دهنده رسولان الهی (خاتم الانبیاء) معرفی شده است.

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾؛ (احزاب / 40).

مسلمانان معتقدند که قرآن کتاب آسمانی پیامبر است که با وحی بر او نازل شده است و از سویی معجزه جاودان آن حضرت است که آموزه‌های اصلی شریعت اسلامی در آن آمده است. با این پیش فرض، نمی‌توان پذیرفت که رسول خدا فقط به حفظ آن در سینه مردانی در معرض خطر فراوان بسنده کرده و کتاب

خدا را به صورت پراکنده رها ساخته باشد و هیچ اقدامی برای تدوین و جمع آن در مجموعه‌ای قابل استفاده و در دسترس همگان نکرده باشد. چنین تصویری باطل و از دید خردمندان مردود است. افزون بر آن، با ظهور هر دین جدید، مؤمنان به آن دین غالباً به حفظ و ضبط آن حساسیت ویژه‌ای داشته‌اند؛ به ویژه که در زمان نزول قرآن، امکان نگارش - اگرچه اندک - وجود داشت.

باید توجه داشت که جمع و تدوین قرآن در یک مجموعه، نافی دیگر اقدام‌ها برای حفظ و قرائت قرآن نیست. مطابق برخی گزارش‌های تاریخی مسلم است که رسول خدا، اهتمام کاملی برای حفظ قرآن داشت و طبق روش کهن و عادت رایج عرب، پیروان و یاران خود را برای حفظ کلام خداوند در سینه‌ها آماده می‌کرد، از این‌رو در مراحل نخستین دعوت، در کنار گروه کاتبان وحی، از آنان و دیگر یاران می‌خواست قرآن را حفظ کنند. گاهی هم به ندای دلنشین قرائت آنان گوش می‌داد تا علاوه بر نظارت بر حفظ دقیق، تلاوت قرآن را از زبان دیگران بشنود (سجستانی، ابوبکر، المصاحف، 137).

صبحی صالح می‌گوید:

«در زمان رسول خدا هرچه از قرآن می‌نوشتند، در خانه آن حضرت می‌گذاشتند و کاتبان وحی، هر یک برای خود نسخه‌ای برمی‌داشتند، بنابراین این نسخه‌ها و صحیفه‌هایی که در خانه رسول اکرم نگه‌داری می‌شد، با حافظه نیرومند صحابه بی‌سواد و باسواد، حفظ و حراست می‌شد تا مصداق سخن خداوند که فرموده است ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر/9)، تحقق یابد» (صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، 121).

گزارش‌های تاریخی مبنی بر آموزش قرآن و مأموریت‌های قرآنی اصحاب از سوی پیامبر اسلام گویای اقدامات چند جانبه و اهتمام ایشان برای گسترش فرهنگ قرآن و حفظ و حراست آن از هرگونه دست‌برد است.

2. عرضه قرآن

ظاهراً برخی از روایات دلالت دارند که رسول خدا سالی یک بار قرآن را بر جبریل عرضه می‌کرد تا این‌که در سال آخر، دوبار عرضه شد. پیامبر این اتفاق را نشانه آن دانست که سال دیگر زنده نخواهد بود. بر اساس این گزارش‌ها، باید قرآن به صورت کامل در یک مجموعه گرد آمده باشد تا عرضه آن امکان پذیر باشد. تصور این‌که منظور از عرضه قرآن، محفوظات نهفته در سینه شخص رسول خدا باشد، با واقعیات تاریخی سازگار نیست و در این صورت حضور برخی اصحاب در عرضه قرآن بی‌معنا خواهد شد. چنان‌که در روایات آمده است عبدالله بن مسعود شاهد آخرین عرضه قرآن بود و بر همین اساس آیات ناسخ و منسوخ را می‌شناخت (ابن سعد، محمد قسم 2 / 104).

طبق گزارش‌های تاریخی دیگر، حتی شماری از یاران قرآن را به رسول خدا عرضه کرده‌اند؛ از جمله: علی بن ابی‌طالب، عثمان بن عفان، ابی ابن کعب، عبدالله بن مسعود، زیدبن ثابت، ابودرداء و ابوموسی اشعری (زرکشی، همان، 1، 243).

3. اهتمام ویژه رسول به حفظ و نگارش قرآن

بعضی از روایات گویای این است که پیامبر اهمیت ویژه‌ای برای حفظ قرآن قائل بود. امام علی از پیامبر روایت می‌کند: «هر که قرآن بخواند تا آن را حفظ نماید، خداوند او را داخل بهشت می‌کند و شفاعت او را در مورد ده نفر از افراد خانواده‌اش - که باید به جهنم بروند - می‌پذیرد» (متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، 1، 477).

رسول خدا نسبت به حفظ و نگارش قرآن اهتمام ویژه‌ای داشت. هر وقت چیزی از قرآن نازل می‌شد، به نویسندگان وحی دستور می‌داد آن را بنویسند و

این کار با نظارت خودش صورت می‌گرفت (زرکشی 1، 304). همچنین چگونگی آموزش قرآن پس از نزول، و مشخص کردن جای هر آیه در سوره برای نویسندگان وحی، دلیل دیگری است که عنایت خاص حضرت به قرآن را می‌رساند. عبادة بن صامت، یکی از بیعت کنندگان با پیامبر در عقبه منی، می‌گوید: «هر وقت مردی هجرت می‌کرد، پیامبر او را به یکی از ما می‌سپرد تا قرآن را به او یاد دهیم و همیشه در مسجد پیامبر به خاطر تلاوت قرآن، سر و صدایی برپا بود تا حدی که پیامبر برای اشتباه نکردن امر می‌کرد قرآن را با صدای آهسته‌تری تلاوت کنند (کاندهلوی، محمد یوسف، حیاة الصحابه، 3، 260).

علاوه بر این پیامبر مسلمانان را به حفظ و قرائت سوره بقره تشویق می‌فرمود:

«اقرأ الزهراوين سورة البقره وسورة آل عمران، فانهما ياتيان يوم القيامة
كانهما غيابتان أو كانهما غماتان او كانهما فرقان من طير صواف
يحلجان عن صاحبهما، اقرأوا سورة البقره فان اخذاها بركة وتركها حسرة
ولا تستطيعها البطلة»، (صحيح مسلم، 55/33).

در این حدیث دو سوره بقره و آل عمران به دو چتر، دو سایبان یا دو پاره ابر در روز قیامت تشبیه شده‌اند که حافظ صاحب خود می‌باشد. به طور کلی حافظان سوره بقره در بین اصحاب شأن خاصی داشتند، چنان‌که انس بن مالک می‌گفت:

«كان الرجل اذا قرأ البقره وآل عمران جد فينا يعني عظم» و «يعد فينا
عظيماً»، (احمد بن حنبل، 4120/3). صحابه در پی این تشویق‌ها و ترغیب‌ها
در حفظ سوره بقره با هم رقابت می‌کردند (قرطبی، ابو عبدالله، الجامع
لاحكام القرآن، 411).

به این ترتیب قرآن در زمان پیامبر تدریس می‌شد و عده زیادی آن را حفظ

می‌کردند و وجود حافظان قرآن دلیل گردآوری آن در زمان پیامبر است و سید مرتضی (طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان، 1، 15) و خویی (خویی، همان، 237 - 257) این نظریه را می‌پذیرند.

طبق گزارشی دیگر از ابن سعد (ابن سعد، همان، 8، 89) پیامبر دستور داد فردی از مسلمانان که قرآن را بیش از همه فرا گرفته یا جمع کرده و اهل قرائت و تلاوت قرآن است، امام در نماز جماعت باشد.

4. کاتبان وحی

بنابر دسته‌ای از گزارش‌های تاریخی پیامبر اکرم به نگارش وحی اهتمام زیادی داشت و همگان را به آن تشویق می‌کرد. افرادی نیز از سوی حضرت برای این کار مأموریت داشتند که به کاتبان وحی معروف بودند. مورخان نام این کاتبان را آورده‌اند و برخی تعداد آنان را تا چهل و دو نفر برشمرده‌اند (بلاذری، ابوالحسن، فتح البلدان، 662؛ زنجانی، ابوعبدالله، تاریخ قرآن، 42؛ شاهین، تاریخ قرآن، 53 - 54). ظاهراً کار به این صورت بود که پیامبر کاتبان را پس از نزول آیه فرا می‌خواند و با مشخص کردن جای آیه، به آنان دستور می‌داد آن را بنویسند. زید بن ثابت انصاری می‌گوید:

«من همواره وحی را برای رسول خدا می‌نوشتم و چنین بود که هرگاه وحی نازل می‌شد، آن را در شرایطی سخت دریافت می‌کرد... سپس من تکه استخوانی می‌آوردم و در حالی که پیامبر املاء می‌کرد، می‌نوشتم... چون از نوشتن فارغ می‌شدم، پیامبر می‌فرمود: بخوان! من می‌خواندم، اگر مطلبی یا چیزی جا افتاده بود، آن را تصحیح می‌کرد؛ آن گاه آن را برای مردم بیرون می‌بردم (ابن حجر هیثمی، 1، 152).

روایت دیگر می‌گوید:

«جبرئیل همواره می‌گفت این (آیه یا سوره) را در فلان جا قرار دهید (سیوطی، عبدالرحمان، الاتقان فی علوم القرآن، 1، 62)؛ برخی در این مورد بر این باورند که کتابت وحی در دوران مکه آغاز شد (مرتضی عاملی، 75).

5. وجود مصاحف

روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهد مصاحف متعددی در دوران رسالت فراهم آمده بود و صحابه بر اساس آن‌ها قرائت می‌کردند. ابوسعید خدری روایت کرده است که رسول خدا فرمود: سهم عبادت چشمانتان را از آن‌ها دریغ نکنید، گفتند: ای رسول خدا سهم عبادت چشمان چیست؟ فرمود: نگرستن و اندیشیدن در مصحف و عبرت گرفتن از عجایبش (فقهی زاده، عبدالهادی، پژوهشی در نظم قرآن، 41).
شهرستانی می‌گوید: عموم محدثان و مورخان اجماع دارند که در موقع وفات پیامبر مصاحف بسیاری موجود بود. وجود این مصحف‌ها گویای مجموع بودن قرآن در عهد رسول است. از قبیل مصحف امیر مومنان علی⁷، زید، ابوزید، ابی بن کعب و ابن مسعود (شهرستانی، سید هبة الدین، تنزیه التنزیل، 52).
همچنین بر اساس روایات، در ورای محل خواب رسول خدا، نسخه‌ای از قرآن وجود داشت که آن را روی شاخه‌های خرما، حریر و استخوان نوشته بودند (سیوطی، 57/1 - 58).

بر اساس همین دست‌گزارش‌ها، حضرت به علی⁷ فرمان داد آن را گردآوری نماید. بر اساس عقیده برخی مانند سیدجعفر مرتضی عاملی (مرتضی عاملی، نو، 77) این همان مصحفی است که حضرت علی⁷ آن را در پارچه‌ای از حریر زرد جمع و در خانه‌اش مهر و موم کرد و فرمود: ردا نپوشم تا قرآن را تدوین کنم. چنان که در روایتی از امام علی⁷ است که فرمود: «آیه‌ای از قرآن بر رسول خدا⁹ نازل نشد؛ مگر این که قرائت آن را به من آموخت و آن را به من املاء کرد و من با خط خودم نوشتم و رسول خدا تأویل، تفسیر، نسخ و منسوخ

آن را برایم بیان فرمود» (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، 89، 48 - 52).

6. گروه قاریان

قرآن کریم به صورت کتابی بود که قاریان از روی آن قرائت می‌کردند و اگر از حفظ قرائت می‌کردند، به آن‌ها حافظان می‌گفتند؛ نه قاری. بسیاری از اصحاب پیامبر در دوران رسالت به عنوان قاری شهرت داشتند و در برخی روایات از آنان اسم برده شده است. چنان که می‌بینیم افرادی از مهاجران چون: خلفای چهارگانه، طلحه، سعد بن ابی وقاص، عبدالله بن مسعود، حذیفه بن یمان، عبدالله بن سائب، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمرو بن عاص به قاری شهرت داشتند. از صحابه زن نیز افرادی مانند حفصه و ام سلمه (از همسران پیامبر) و از انصار، فضاله بن عبید و مسلمه بن مخلد را به عنوان قاری نام برده‌اند (سیوطی، 1، 72).

7. گرد آورندگان قرآن در زمان پیامبر

به عقیده بسیاری از اندیشمندان اسلامی، گروهی از یاران پیامبر قرآن را در عصر رسالت جمع‌آوری کردند. از جمله علی بن ابی طالب و زید بن ثابت. وی می‌گوید: ما نزد پیامبر بودیم که قرآن را از رقاع (قطعه‌هایی از پوست یا برگ که بر آن می‌نوشتند) جمع‌آوری و تنظیم می‌کردیم (همان، 99). قتاده نیز می‌گوید: از انس بن مالک پرسیدم: چه کسانی قرآن را در زمان پیامبر جمع کردند؟ جواب داد: چهار نفر: ابی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت و ابو زید که همه از انصار بودند (زرکشی، 1، 241). عروة در مقام بیان علت گردآوری قرآن در زمان ابوبکر بر این باور است که «شماری از صحابه در یمامه کشته شدند. آنان قرآن را گردآورده بودند» (متقی هندی، همان، 2، 363). آنان مصاحف مخصوص به خود داشتند و حتی مصحف برخی از آنان تا صدها سال پس از مرگشان باقی بود. از آن جمله:

امام علی 7، ابی بن کعب، زید بن ثابت و عبدالله بن مسعود. برخی پژوهشگران نیز نام این افراد را با استناد به روایات و اخبار از متون تاریخی و حدیثی استخراج کرده و از 24 نفر نام برده‌اند (برای نمونه ر. ک. به: مرتضی عاملی، 86 - 92).

8. ثواب نگاه کردن به قرآن

روایاتی تأکید می‌کنند که نگاه کردن به آیات قرآن ثواب دارد. علاوه بر روایت ابوسعید خدری از پیامبر که پیش از این نقل شد، از روایت انس بن مالک از رسول خدا نیز می‌توان یاد کرد. بر این اساس پیامبر فرمود: «کسی که با نظر به مصحف، قرآن را بخواند، از بینایی بهره برده است» (متقی هندی، 1، 477).
پسر زبیر از حضرت روایت کرده است: «کسی که قرآن را از حفظ ختم کند، یا آن را با نگرستن در مصحف به پایان رساند، خداوند به پاس این عمل، درختی در بهشت به او عطا می‌کند» (هیثمی، ابن حجر، 7، 165).

9. ختم قرآن

اخباری در مورد چگونگی ختم قرآن از رسول خدا نقل شده است که نشان می‌دهد رسول خدا همواره به یاران سفارش می‌کرد به ختم قرآن همت گمارند. مطابق برخی گزارش‌ها (زرکشی، 1، 471؛ سیوطی، 1، 104 - 105) هفت یا سه شب برای ختم کل قرآن در نظر گرفته شده بود؛ چنان که حضرت فرمود: «هر کس قرآن را در مدت هفت روز بخواند، این کار مقربان است و کسی که آن را در پنج روز قرائت کند، این عمل صدیقان است» (متقی هندی، 1، 461).
عبدالله بن عمر از پیامبر پرسید قرآن را در چه مدت ختم کنم؟ فرمود: در یک ماه، پرسید: زودتر از این هم می‌توانم ختم کنم؟ فرمود: در بیست روز ختم کن (صغیر، 73).

در برخی گزارش‌ها از افرادی یاد شده است که قرآن را در زمان رسول خدا ختم

می‌کردند، مانند: علی⁷، عبدالله بن مسعود و عثمان بن عفان (متقی هندی، 2، 374). سیوطی ختم قرآن را به معنای خواندن آن از ابتدا تا انتها می‌داند و روایتی در این مورد می‌آورد که: «بهترین اعمال نزد خداوند، حال مرتحل است؛ او کسی است که از اول تا آخر قرآن را می‌خواند و چون به جایی برسد، از همان جا ادامه می‌دهد» (سیوطی، 1، 111).

این روایات نشان می‌دهد تمام قرآن، در زمان پیامبر اکرم در دسترس بود و عده‌ای به خواندن تمام آن کمر همت می‌بستند. روشن است که ختم قرآن به معنای خواندن تمام آن می‌باشد. از این رو این شواهد گویای وجود کل قرآن در زمان حیات پیامبر اسلام است.

10. واژه «کتاب» در آیات قرآن

از قرآن کریم در آیات فراوانی به واژه «کتاب» تعبیر شده است. (بنگرید به: بقره/ 2، حجر/ 1، فرقان/ 5، النمل/ 1، لقمان/ 2، ص/ 29، فصلت/ 3، واقعه/ 77 - 79).
 علی صغیر استاد دروس علوم قرآن در دانشگاه کوفه می‌گوید: ورود لفظ کتاب در قرآن و سنت دلالت دارد که قرآن یک مجموعه جمع‌آوری شده بوده است (صغیر، 77)، بنابراین منظور از کتاب مجموع چیزی است که بین دو جلد قرار دارد و ابتدا و انتهای آن کاملاً معلوم است؛ چنان که عبدالله بن عباس و محمد بن حنیفه آن را بین الدفتین، مجموعه‌ای بین دو جلد دانسته‌اند (بنگرید به: بخاری، باب فضائل القرآن، 16).

11. تشخیص سوره‌های قرآنی در عصر نزول

بدون تردید بیش‌تر سوره‌های قرآنی قبل از رحلت پیامبر در بین مسلمانان معروف بودند. نام این سوره‌ها در بسیاری از احادیث اهل سنت و شیعه در وصف تبلیغ پیامبر یا یارانش پیش از رحلت و همچنین در وصف نمازهایی که

خواننده و روشی که در تلاوت قرآن داشت، آمده است. هم‌چنین نام‌هایی که برای این سوره‌ها در صدر اسلام معمول بود، مانند: سبع طوال، مئین و مثنی والفصل در احادیثی که از زمان پیامبر حکایت می‌کند، بسیار به چشم می‌خورد (کلینی، محمد بن یعقوب، کلینی، 4، 410).

آیات تحدی نیز به کامل بودن سوره‌های قرآن دلالت دارند، وگرنه دعوت جهانیان به آوردن سوره‌ای مانند یکی از سوره‌های قرآن، چه معنایی می‌توانست داشته باشد (فقهی زاده، 35).

12. حدیث ثقلین

حدیث ثقلین که بین شیعه و اهل سنت متواتر است، شاهد خوبی بر این نکته می‌باشد که قرآن دست کم در روزهای پایان زندگی رسول خدا به صورت مکتوب و مدون در دسترس مسلمانان بود. مطابق این حدیث پیامبر فرمود: همانا من دو چیز گران‌بها را به امانت می‌گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری عترت من که اهل بیت من هستند (نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، 3، 109)، یا این که زید بن ارقم می‌گوید: زمانی که پیامبر از حجه الوداع برگشت و در غدیر خم فرود آمد...، فرمود: همانا من بین شما دو چیز گران‌بها را به امانت می‌گذارم که یکی بزرگ‌تر از دیگری است. اول کتاب خدا و دیگری عترت من که اهل بیت من هستند (شرف الدین، المراجعات، 264).

سؤال این جاست که آیا پیامبر پیروان خود را به چیزی سفارش می‌کند که در سینه‌های مردان، شاخه‌های خرما و سنگ‌های پراکنده است و آن‌گاه با اطمینان هرچه تمام‌تر می‌گوید اگر بدان تمسک جویند، هرگز بعد از من گمراه نخواهید شد؟! این حدیث و احادیثی از این قبیل که به صورت متواتر از پیامبر نقل شده‌اند، دلالت دارند که قرآن در زمان حضرت مکتوب شده بود.

ب: واژه جمع قرآن به معنای یادسپاری آیات است

نولدکه در جایی دیگر به معنای واژه جمع اشاره دارد و می‌گوید:

«معنای جمع در تعبیر (جمع‌القرآن) به معنای گردآوری آیات و حیاتی در قالب یک کتاب نیست؛ بلکه همان‌طور که در منابع اسلامی در حوزه فقه‌الحديث می‌گویند به خاطر سپردن در حافظه است» (ر.ک. به: تاریخ قرآن، 241).

بررسی

واژه «جمع» در اخبار، روایات و تاریخ قرآن بسیار به کار رفته است. هر کدام از موافقان و مخالفان در بحث جمع، به معنایی از معانی جمع قرآن را در نظر داشته‌اند. کلمه جمع به معنای گردآوری و پیوستن چیزی به چیز دیگر است (راغب اصفهانی، مفردات، ماده جمع). جمع در آیه شریفه **إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ**؛ (القیامه، 17) به همین معنا آمده است، یعنی برماست که آن را جمع کنیم و بخوانیم. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌گوید:

«قرآن در این جا مصدر است، مانند فرقان و رجحان، و ضمیر در «جمعه و قرآن» هر دو به وحی برمی‌گردد و معنا چنین است: «لا تعجل به ان علينا ان نجمع ما نوحیه الیک بضم بعض اجزائه الی بعض وقرائته علیک»؛ (طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، 20، 109) «در مورد وحی شتاب مکن، زیرا برماست که آن چه را به تو وحی کرده‌ایم، گردآوری نماییم به ضمیمه برخی از اجزا نسبت به اجزای دیگر».

معانی و اقوال در مورد واژه جمع

مفسران و دانشمندان علوم قرآنی نظرات متفاوتی درباره واژه جمع دارند برخی از این معنای چنین است:

1. حفظ آیه‌ها و سوره‌ها: مراد از جمع قرآن، حفظ کردن آن است (سیوطی، 1، 205). فخر رازی همین معنا را در ذیل آیه 17 سوره قیامت ترجیح می‌دهد (رازی، 3، 224).

2. خواندن و اخذ کردن: شعبی در مورد ابن مسعود جمع القرآن را به معنای «اخذ» به کار می‌برد (رامیار، 212).

3. نوشتن: به صورتی که آیات به صورت پراکنده نوشته شده، در یک جلد جمع نشده و بعضی از سوره‌ها نیز مرتب بوده است.

4. جمع و تدوین قرآن به صورتی که سوره‌های آن مانند آیات مرتب شده باشد: این همان مسئله‌ای است که بیشتر محققان علوم قرآنی را به پژوهش مشغول کرد.

5. تدوین و گردآوری: به تدوین و گردآوری یک متن و نص مرتب بر حسب قرائت متواتر رایج جمع، می‌گفتند. این نکته یادآوری می‌شود که منظور از تألیف هرگز نگارش و تصنیف نیست، بلکه منظور همان جمع‌آوری آیات و سوره‌هاست (زرکشی، 1، 235).

ظاهراً جمع در زمان رسول خدا عموماً به معنای تألیف به کار رفته است، به همین دلیل زرکشی هرگاه می‌خواست جمع را به معنای تألیف و ترتیب به کار گیرد، لفظ جمع و تألیف را می‌آورد.

در روایتی آمده است: «كنا عند النبي نؤلف القرآن من الرقاع» (همان، 1، 329)، یعنی ما در عهد پیامبر قرآن را در رقع‌ها گردآوری می‌کردیم.

رامیار در تاریخ قرآن بر این باور است که واژه جمع در مراحل مختلف و به معانی گوناگون و متناسب با مقصود به کار رفته و بر حسب زمان و به اقتضای کلام معانی مختلفی را در بر می‌گیرد (رامیار، 212). وی همچنین می‌گوید: در دوره نبوی جمع قرآن هم حفظ، هم نوشتن و هم گردآوری را شامل می‌شد (همان، 213).
با توجه به اقوال مختلف در معانی جمع، می‌توان چند مرحله برای نگارش قرآن در نظر گرفت:

1. حفظ آیات الهی؛ 2. تنظیم آیه‌ها و سوره‌های قرآن به طور جداگانه؛

3. جمع‌آوری قرآن در یک مصحف؛ 4. توحید مصحف.

هر کدام از اقوال مختلف به یک مرحله از مراحل تاریخی جمع قرآن اشاره دارد. به گزارش برخی روایات تاریخی، جمع قرآن به معنای «جمع‌آوری و نظم آیات سوره‌ها» در زمان پیامبر انجام شد. همچنین نگارش قرآن روی سنگ‌ها، پوست و نوشت‌افزارهای دیگر زمان پیامبر انجام گرفت؛ ولی به عقیده برخی دیگر از محققان تنظیم سوره‌ها در یک مصحف، بعد از رحلت حضرت انجام پذیرفت، یعنی هر کدام از روایات و اقوال به یکی از مراحل جمع قرآن اشاره دارد. (ر.ک. به: رضایی، محمد علی، معنای جمع قرآن، صحیفه مبین، ش 1 - 2).

ج: حافظان و جمع‌کنندگان قرآن چه کسانی بودند؟

نولدکه می‌گوید:

«چگونه مؤمنان، تمام یا بخش زیادی از آیات وحی شده را در خاطر خویش حفظ کرده بودند، چنان‌که حفظ متون مقدس، در تمامی دوره‌ها، اصل اولی و اساسی بوده و نقل مکتوب وحی همواره امری ثانوی و وسیله ای برای تأمین اهداف دیگر به شمار می‌آمد». در ادامه می‌گوید: «در ذکر اسامی و تعداد جمع‌کنندگان قرآن تفاوت چندانی در روایات وجود ندارد بیش‌تر با چهار تن به عنوان جمع‌کنندگان قرآن مواجه هستیم؛ از جمله: ابی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابو زید انصاری، در نقل‌های مختلفی از این روایت، اسامی دیگری نیز وجود دارد؛ مانند ابودرداء، عثمان، تمیم الداری، عبدالله بن مسعود سالم بن معقل [مولی حذیفه]، عباد بن صامت، ابویوب، سعد بن عبید، مجمع بن جاریه [یا حارثه]، عبید بن معاویه، علی بن ابی طالب» (نولدکه، 241 و 242).

بررسی

هم‌زمان با نزول وحی، گروهی از صحابه، مشغول حفظ آیات الهی شدند و آن را به خاطر سپردند که در تاریخ، این گروه به حفاظ قرآن و جماع القرآن

معروف شدند (عاملی، 99). پیامبر اسلام نیز به حفظ قرآن کریم توجه خاصی داشت و صحابه را به این امر بسیار تشویق می‌کرد.

به گزارشی حافظان قرآن، در زمان پیامبر بیش از هفتاد نفر بودند؛ زیرا در هر یک از دو جنگ «یمامه» و «بئرمعونه» هفتاد حافظ قرآن به شهادت رسیدند (سیوطی، 1، 154). این مسئله نشان می‌دهد شمار حافظان قرآن در عصر پیامبر بیش از هفتاد نفر بودند، اما در برخی احادیث دیده می‌شود که تعداد حافظان را خیلی کم و در حدود چهار نفر می‌شمارند یا بسیاری از محققان معتقدند علت این امر تعلق خاطر راوی و ناقل حدیث، به آن افراد است. گاهی راوی بیش از چهار نفر و یا ارقام دیگری را در مورد حفاظ قرآن به خاطر نمی‌آورد (همان، 122). عسگری می‌گوید: احصای آن عده از اصحاب که در دوره رسول خدا قرآن را جمع نموده و نوشتند ممکن نیست و آن چه در برخی روایات به عنوان «من جمع القرآن علی عهد الرسول او کتب» آمده، از باب حصر و احصای کامل نیست و تنها به مناسبت مقام اسامی آنان، ذکر گردیده است (عسگری، 1، 177). برای نمونه به حدیثی در این مورد اشاره می‌کنیم.

در صحیح بخاری از انس آمده است که می‌گوید: «مات النبی ولم یجمع القرآن غیر اربعة، ابوالدرداء و معاذ بن جبل و زید بن ثابت و ابوزید و نحن و رثنا...» (بخاری، 3، 152)؛ و از قتاده نقل شده است: «سألت انس بن مالک: من جمع القرآن علی عهد النبی؟ قال: اربعة کلهم من الانصار: ابی بن کعب و معاذ بن جبل و زید بن ثابت و ابو زید» (همان).

عاملی در بررسی حدیث انس می‌گوید: «آنچه در روایت انس آشکار است، این است که افراد این روایت از انصار می‌باشند، در حالی که از مهاجران کسانی چون علی 7 و ابن مسعود قرآن را جمع کرده‌اند و تردیدی در آن نیست. شاید

هدف انس از ذکر انصار در روایت خود، اظهار غرور قومی و ستایش از همشهریان خود باشد. دیگران هم در این نقل از او تبعیت کرده و به ذکر انصار اکتفا کرده‌اند، اما در حقیقت تفاخر قومی نیست، بلکه چنین اقوالی ناشی از یک موضع گیری سیاسی معین است و عدم ذکر دیگران هم در این راستا قابل فهم است، و مصالح مهمی در این فراموشی عمدی نهفته است. در آن زمان تعدد آشکاری در جهت برتری بخشیدن و فضیلت دادن به جمع آوری قرآن توسط هیئت حاکمه صورت می‌گرفت و تلاش می‌شد کار عظیم جمع آوری قرآن از روی استخوان، پوست، سینه مردم و روایات شفاهی و به شهادت یک یا دو شاهد، از جمله کارهای با ارزش هیأت حاکمه (قریش) شمرده شود.

این دسته از روایات در منابع بی‌شماری مسطور است، این فضیلت سازی با شایع بودن مصاحف در میان صحابه در زمان پیامبر 9 و شایع بودن قرائات در مصحف‌ها و ثابت بودن جمع آوری قرآن در زمان پیامبر 9 و واقعیت‌های دیگر، قطعاً مغایر و مخالف است، لذا باید تمام واقعیت‌ها فراموش شود تا فضیلت هیأت حاکمه آشکار گردد» (عاملی، 103).

همچنین عسگری در تحلیل حدیث انس می‌گوید: «پیداست کسانی که جمع‌آوری قرآن را منحصر در انصار دانسته‌اند، از قبیل شعبی، محمد بن کعب قرظی، ابن کثیر و دیگران، به همین حدیث انس تکیه کرده‌اند. باید گفت اکثر دانشمندان سخن انس را انکار و رد نموده‌اند اگر چه عده‌ای به توجیه پرداخته‌اند، از جمله سندی در حاشیه بروایت انس می‌گوید: «ای لم یجمعه غیر هم فی علمی، او من الاوس و الا فقد کان ممن یجمعه اذ ذاک کثیر من الصحابة کما هو معلوم» (عسگری، 1، 179).

قرطبی نیز می‌گوید: در جنگ یمامه هفتاد نفر از قاریان به شهادت رسیدند و

همین تعداد در دوره پیامبر در فاجعه بئرمعونه شهید شدند، لذا باید گفت انس یا تنها به خاطر علاقه به این چهار نفر آنان را ذکر کرده، یا تنها، همین افراد در ذهن او بوده‌اند (همان، 1، 181).

سید مرتضی عسکری در پایان می‌گوید:

«علاوه بر آن چه ذکر کرده‌اند، دلیل دیگر در رد قول انس این است که مهاجران کم و بیش ده سال جلوتر از انصار به اسلام گرویدند، پس چگونه ممکن است حتی یک نفر از مهاجران در شمار جامعان قرآن نباشد؛ با آن که صحابه‌ای که اسامی آنان را ذکر می‌کنیم قرآن را در دوره پیامبر 9 جمع کردند:

1. علی بن ابی طالب 7
2. سعد بن عبید بن نعمان بن زید
3. ابو درداء عویمر بن زید
4. ابوزید بن ثابت بن زید بن نعمان
5. عبید بن معاویه بن زید بن ضحاک
6. ام ورقه بنت عبدالله ... [ملقب به شهیده] (همان).

حافظان قرآن به «قراء» نیز نام‌برده شده‌اند. ابو عبیده قاسم بن سلام تعداد زیادی از قراء و حفاظ قرآن را نام می‌برد که همه آنها از صحابه رسول خدا بوده‌اند و سیوطی این عده از قراء را که در کتاب «القراءات» ابو عبیده آمده، آورده است:

در میان مهاجران: خلفای اربعه، طلحه، سعد بن عبید، عبدالله بن مسعود، سالم بن معقل [مولى حذیفه]، ابوهریره، عبدالله بن سائب، عبدالله بن عباده، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر عاص، عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر قرار دارند بر این تعداد باید طبق برخی روایات نام ابوموسی اشعری، زید بن ثابت و ابویوب

انصاری، عمر بن عاص و معاویه را افزود. هم‌چنین باید از عایشه، حفصه و ام‌سلمه را می‌توان نام برد.

در میان انصار: عبادة بن صامت، معاذ بن جبل (مکنی به ابی حلیمه)، مجمع بن جاریه، فضالة بن عبیده و مسلمة بن مخلد را نام می‌برند که طبق تصریح ابوعبیده، برخی از آنان حفظ و قرائت قرآن را در زمان پیامبر تکمیل کردند (سیوطی، 1، 124).

در مورد چگونگی حفظ آیات قرآن توسط صحابه و اهتمام ویژه پیامبر به این امر، در بحث قبل تحت عنوان دلایل جمع آوری قرآن در زمان پیامبر مورد بررسی قرار گرفت. در این جا به اجمال اشاره‌ای به این مطلب خواهیم داشت. عرب ویژگی حفظ سریع و قوی را در حد کمال داشت؛ زیرا عرب جاهلی، به شعر و نسب قبیله خود عشق می‌ورزید و همیشه قصاید بلند و سلسله نسب‌های طولانی قبایل خود را حفظ می‌کرد که مایه افتخار و گاه موجب بقایشان می‌گشت، بنابراین، نیروی حافظه عرب‌ها بسیار قوی و گاهی شگفت‌آور بود. سرعت حفظ و تیزی ذهن از خصائص بارز آنان بود که حتی «سینه‌هایشان انجیل‌هایشان» بود و «مغزهایشان دفتر نسب و تاریخ» و «حافظه‌شان دیوان شعر و افتخاراتشان» شمرده می‌شد. سپس قرآن آمد و با نیروی بیانش، آنان را شگفت زده ساخت، به گونه‌ای که در برابر آن حیران گشتند.

به لفظ و معنی، بیان گرامی موهبتی بر ایشان بود، چون روح زندگی را در آن می‌جستند، دل از غیر بریدند و در گرو او بستند (زرقانی، 1، 235).

نمونه‌ای از آن را در مورد عبدالله بن عباس گفته‌اند که قصیده‌ای هشتاد بیتی را با یک بار شنیدن حفظ کرد و یا به سال‌های بعد، که بهره‌های مادی گسترش بیش‌تری یافت و تنعم و رفاه، عرب را تن‌پرور و نازک طبع کرد، از اصمعی

شاعر بصره در این باره داستان‌ها گفته‌اند. می‌گویند شانزده هزار ارجوزه (قصیده برون رجز) از حفظ داشت.

یا بر روی هر حرفی، قصیده روایت می‌کرد (قفطی، ابوالحسن، ابناة الرواة علی ابناة الرواة، 3، 198). گفته‌اند هر قصیده‌ای را با یک بار شنیدن حفظ می‌کرد (شریعتی، محمد تقی، تفسیر نوین، 12)؛ آمده است در مورد حدیث، ابن عقده سی صد هزار حدیث باز می‌گفت و یک صد هزار حدیث با متن و سند به خاطر داشت (امین، سید محسن، اعیان الشیعة، 9، 428).

گذشته از حافظه قوی عرب که برای هر سخن اهمیت قائل بودند و در این راه کوشش بی‌حد مبذول می‌داشتند، دقت و کوشش یاران پیامبر نیز ستایش کردنی است و حفظ قرآن موجب عظمت و شخصیت در میان مردم بود و مسلمانان نسبت به حفاظ قرآن با تکریم و احترام فوق العاده می‌نگریستند. اجر و ثوابی که خواننده و حفظ کننده قرآن به آن می‌رسد، از مهم‌ترین عواملی بود که مسلمانان را به قرائت و حفظ قرآن وادار می‌ساخت و به همین علت مسلمانان نسبت به حفظ قرآن در سینه‌ها و اذعان بیش تر از آن چه به مال، جان و اولادشان اهمیت بدهند، اهتمام می‌ورزیدند (ر.ک. به: خویی، 253).

تعدادی از یاران رسول خدا تمام آیات را با دقت و ضبط شگفت‌آوری حفظ می‌کردند و برخی که نمی‌توانستند، قسمتی از سوره‌ها را حفظ می‌کردند و می‌آموختند. جالب توجه این که از زیادی اهتمام بر این کار و برای جبران ناتوانی از حفظ تمام قرآن، گاهی حفظ قرآن میان اصحاب تقسیم می‌شد و هر فرد چند سوره و آیه را حفظ می‌کرد (کتانی، عبدالحی، التراتیب الدراییة، 2، 292). حفظ قرآن، از همان روزهای نخست، به گونه‌ای فراگیر شد که از ابوموسی اشعری نقل کرده‌اند: رسول خدا شب‌ها به حلقه‌های آموزش قرآن می‌رفت و

قرائت آن ها را گوش می‌داد و میزان حفظ و اسلوب قرائت آن را اصلاح می‌نمود (رامیار، 227)، بنابراین تعدادی از اصحاب در پرتو اهتمام پیامبر و بر اثر شوق ایمان خود، همه قرآن را از حفظ داشتند. اگر در میان آن‌ها کسانی مثل مجمع بن جاریه یکی، دو سوره از قرآن را در زمان رسول خدا نمی‌دانست (ابن سعد، 2، 86)، مسلماً بعد از پیامبر آن را کامل کرده‌اند، البته چه بسا که بین آن‌ها یکی، دو نفری هم بر این نقص باقی مانده باشند (نابلسی، عبدالغنی، شرح الطریقه المحمدیه، 1، 252).

همان‌طور که گذشت، نولدکه می‌گوید: «حفظ همواره امری اساسی و اولی بوده و نوشته و کتابت امری ثانوی و برای اهداف دیگر به کار می‌رفته است». پاسخ این است که پیامبر برای حفظ و صیانت این کتاب، از هر گونه تحریف، علاوه بر این که به حفظ آن در سینه‌ها و اذهان دستور دادند، کتابت و نگارش آن هم مورد توجه خاص آن حضرت بود و به خاطر این که حفظ کردن، سستی کهن و رایج در میان عرب بود، کار آسان‌تر بود و ابزار نوشتن نیز چندان آماده و شمار نویسندگان نیز زیاد نبود و به همین دلیل توجه به حفظ در سینه‌ها برتری داشت و این امر به منزله آن نیست که کار نوشتن قرآن یکسره فراموش گردد و دیگر کسی به آن اهتمام نرزد (رامیار، 257).

بنابراین پیامبر افرادی را برای این منظور برگزیده بود که در تاریخ به نام کاتبان وحی خوانده می‌شدند، عده‌ای از محققان، تعداد این افراد را تا چهل و سه نفر نقل کرده‌اند و عبدالله ابن سعد بن ابی سرح را به عنوان اولین کاتب وحی در مکه و و ابی کعب را به عنوان اولین کاتب وحی در مدینه نام برده‌اند (زنجانی، 42)، بنابراین چنان که از شواهد به دست می‌آید، حفظ قرآن و نوشتن آن در عرض یکدیگر بود و عده‌ای که امکانات نوشتن نداشتند، حفظ می‌کردند و

عده‌ای که می‌توانستند، می‌نوشتند. عده‌ای هم هر دو کار را انجام می‌دادند و پیامبر به هر دو قضیه اهتمام داشت. مهم‌ترین عواملی که می‌توان بیان نمود که نوشتن نیز صورت می‌گرفت، عبارت است از:

1. اهتمام ویژه پیامبر به امر نوشتن و وجود نویسندگان در آن زمان.
2. وجود ابزار و امکانات نگارش، اگرچه اندک.

ما به اهتمام ویژه پیامبر به نوشتن و کتابت قرآن و روایاتی در این زمینه اشاره کردیم. هم‌چنین وجود نویسندگانی که به کتابت آشنایی داشتند، حکایت از آن داشت که کتابت در زمان رسول خدا صورت همه گرفت و افرادی نیز به عنوان کاتبان وحی این کار را انجام می‌دادند. به عقیده بسیاری از مسلمانان و بر اساس برخی گزارش‌های تاریخی، در زمان پیامبر اسلام، کاتبان وحی موجود بودند (حجّتی، سید محمد باقر، 202 - 204).

برخی از روایت‌های صحیح ناظر بر این مطلب است که آنان در زمان حیات پیامبر اسلام قرآن را به طور کامل، با مرکب سیاه، بر روی نوشت افزارها مکتوب کردند. چنان که به سند صحیح از طریق محمد بن وراق وارد شده است که گفت: «عرضت علی ابی عبدالله 7 کتاباً فیہ قرآن مختم معشر بالذهب وکتب فی آخره سورة بالذهب فأریته اياه فلم یعب فیہ شیئاً الا کتابة القرآن بالذهب وقال: لا یعجبنی أن یکتب القرآن الا بالسواد کما کتب اول مره» (کلینی، 2، 64؛ بهبودی، محمد باقر، گزیده کافی، رقم 527 و تهذیب، رقم 2590)، یعنی قرآنی را از نظر ابو عبدالله صادق 7 گذراندم که خاتم‌کاری شده بود و ده آیه، ده آیه با آب طلا تذهیب و علامت‌گذاری شده بود. در آخر قرآن یک سوره را نیز با آب طلا نوشته بودند. ابو عبدالله از هیچ قسمت آن عیب نگرفت؛ جز نوشتن آیات قرآن با

آب طلا که گفت: برایم خوش آیند نیست که قرآن را جز با مرکب سیاه بنویسند؛ آن چنان که اول بار نوشته شد.

بنابر این دسته از گزارش‌های تاریخی، دستور حفظ قرآن تنها به معنای نگه داشتن در حافظه‌ها نبود؛ بلکه به این معنا بود که هر یک برای خود نسخه‌ای مکتوب تهیه کنند و در خانه‌ها نگهداری نمایند. این استنساخ از روی نسخه‌ای انجام می‌شد که به صورت یک دوره کامل قرآن، بین دیوار قبله و منبر، در مسجد رسول خدا موجود بود. این روایت به نقل از روح بن عبدالرحیم چنین است:

«عن ابی‌عبدالله قال: سألته عن شراء المصاحف وبيعها. فقال: انما كان يوضع الورق عند المنبر - وكان ما بين المنبر والحائط قدر ما تمر الشاه او رجل منحرف، قال: - فكان الرجل يأتي ويكتب من ذلك. ثم انهم اشتروا بعد [ذلك] قلت: فما تری فی ذلك؟ قال لی: أشتريه احب الی من أن أبيعہ، قلت: فما تری أن أعطی علی کتابته أجراً؟ قال لا بأس ولكن هكذا كانوا يصنعون» (همان، 5، 121 و همان، صحیح الکافی، رقم 2512)، یعنی از ابو عبدالله صادق 7 پرسیدم: خرید و فروش قرآن چه صورت دارد؟ ابو عبدالله گفت: در عهد اول، اوراق قرآن کریم را پشت منبر رسول خدا می‌نهادند. در آن زمان بین دیوار قبله مسجد با منبر رسول خدا به اندازه سی‌سانت فاصله بود که یک گوسفند به راحتی گذر می‌کرد و یک آدم باید خود را به پهلو رد می‌کرد و می‌گذشت. هر کس که مایل بود، می‌آمد و از روی آن قرآن، برای خود رونویسی می‌کرد؛ ولی بعدها مردم به خرید و فروش قرآن پرداختند. من پرسیدم: شما در این باره چه نظر دارید؟ ابو عبدالله گفت: من ترجیح می‌دهم که خریداری کنم؛ اما نفروشم. خریدن قرآن مسئولیت کمتری دارد، تا فروختن آن. من گفتم: اگر برای رونویسی قرآن حق الزحمه بپردازم، چه صورت دارد؟ ابو عبدالله گفت: مانعی ندارد، اما پیشینیان به همان صورتی که گفتم

خودشان قرآن را رونویسی می‌کردند.

در روایتی دیگر، همان مضمون با اندکی تفاوت چنین آمده است:

«... فكان الرجل يأتي فيكتب البقره ويحيىء آخر فيكتب السوره. وكذلك كانوا، ثم انهم اشتروا بعد ذلك...» (بهبودی، گزیده تهذیب، رقم 2586)، یعنی... یک نفر سوره بقره را می‌نوشت و دیگری می‌آمد و سوره آل عمران را می‌نوشت. مدت‌ها بر همین منوال گذشت تا آن که مردم نسخه قرآن را به معرض فروش نهادند... (ن. ک. به: همان، رقم 2587 و 2589؛ نیز درباره قرآن موجود بین دیوار قبله و منبر، ن. ک. به: بخاری، صلاه، رقم 91) در روایتی دیگر از قول امام صادق 7 روایت شده است که یک زن می‌خواست یک نسخه قرآن را تهیه کند. مقداری ورق سفید خریداری کرد و کاتبی را فراخواند تا برای او یک نسخه قرآن رونویس کند، بی آن که اجرتی مشخص نماید. بعد از تمام شدن نسخه، پنجاه دینار طلا به کاتب عطا کرد. نسخه‌های قرآن تا این اواخر خرید و فروش نمی‌شد. (همان، رقم 2588)؛ اما در مورد ابزار نگارش، شاهد زیاد وجود دارد، و در درجه اول خود قرآن گواه است که از همان سال‌های اقامت پیامبر در مکه و مدت‌ها پیش از هجرت، قرآن نوشته می‌شد و دست به دست می‌گشت، و در این‌جا ملاحظه می‌شود قدیمی‌ترین سوره‌های قرآن از پدیده‌هایی نام می‌برد که به نوشتن مربوط است، مثلاً می‌فرماید:

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾؛ (علق / 1 - 5).

این آیات، اشتغال خاطر پیامبر را برای حفظ قرآن از طریق ضمانت به وسیله کتابت، بازگو می‌کند (رامیار، 257). همچنین آیات مختلفی از سوره‌های قرآن به این موضوع اشاره دارند، فهرست آن‌ها که عبارتست از: عبس / 11-16، فرقان /

5، بینه/ 2 و 3، اسراء/ 93، انعام/ 7، انبیاء/ 100، اعراف/ 145، طور/ 1-3.

نتیجه

1. مطالعات قرآنی نولدکه در مورد جمع قرآن نیازمند شناسایی و نقدهای اساسی است.

2. براساس دیدگاه برخی محققان اسلامی، قرآن در زمان پیامبر جمع‌آوری گردید یا این که بر اساس دیدگاه کسانی که جمع قرآن را بعد از رحلت حضرت می‌دانند، تعداد آیات هر سوره و تکمیل سوره‌ها و مستقل بودن هر سوره به طوری که آیات آن با سوره دیگر اشتباه نشود، در زمان حضرت مشخص بود (معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، 240)؛ ولی این سوره‌ها در کنار یک‌دیگر در یک مصحف قرار نداشت و این کار پس از حضرت انجام شد، تعجب از این است که چگونه نولدکه ادعا می‌کند جمع نشدن قرآن در زمان پیامبر یک امر روشن است، در صورتی که دست کم باید مشخص می‌کرد منظورش از جمع نشدن قرآن، در یک مصحف بود و یا شواهد تاریخی بر این مطلب اقامه می‌نمود.

3. معانی جمع قرآن در زمان‌ها و مراحل مختلف فرق می‌کند. در زمان پیامبر حفظ و نوشتن را در بر داشته، اگر چه ممکن است این نوشته‌ها در یک مصحف انجام نگرفته باشد.

4. در مورد تعداد جمع‌کنندگان قرآن تعداد افراد به چهار یا بیش‌تر از آن ختم نمی‌شوند و بسیاری از محققان با نقد روایات در این مورد، تعداد را تا هفتاد نفر برشمرده‌اند.

5. حفظ و نوشتن قرآن در عرض هم بود و حفظ قرآن به خاطر بعضی شرایط نسبت به کتابت برتری داشت، ولی این برتری به منزله این نبود که نوشتن به طور کلی فراموش گردد.

فهرست منابع

1. ابن حجر، احمد بن علی، فتح الباری، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415 ق.
2. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دارصادر، بیروت، 1405 ق.
3. احمد بن حنبل، المسند، دارالحديث، قاهره، 1416 ق.
4. امین، سید محسن، اعیان الشیعہ، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1403 ق.
5. بخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالمعرفه، بیروت، افسست.
6. بلاذری، ابوالحسن، فتوح البلدان، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1978 م.
7. بیهودی، محمد باقر، گزیده کافی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، 1363 هـ. ش.
8. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1360 ش، ج دوم.
9. خوبی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، دارالزهراء، بیروت، 1408 ق.
10. دروزه، محمد عزت، تاریخ قرآن، ترجمه: محمد علی لسانی فشارکی، نهضت زنان مسلمان، 1359 ش.
11. رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر) دار احیاء التراث العربی، بیروت، 1417 ق، ج دوم.
12. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان، دارالقلم، 1412 ق.
13. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، امیرکبیر، تهران، 1362 ش، ج دوم.
14. زرقانی، محمدعبدالعظیم، مناہل العرفان فی علوم القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، 1416 ق.
15. زرکشی، محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، دارالفکر، بیروت، 1408 ق.
16. زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، مطبعه سپهر، تهران، 1404 ق.
17. سجستانی، ابوبکر عبدالله بن ابی داوود، المصاحف، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1415 ق.
18. سیوطی، عبد الرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، انتشارت (رضی، بیدار و عزیز، افسست از چاپ مصر) تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم.
19. شرف الدین، سید عبدالحسین، اجوبه موسی جارالله، چاپ خانه النعمان، نجف، 1386 ق.
20. شرف الدین، سید عبدالحسین، المراجعات، الجمعیه الاسلامیه، 1402 ق، ج اول.

21. شریعتی، محمد تقی، تهران، تفسیر نوین، 1344 ش.
22. شهرستانی، سید هبه الدین، تنزیه التنزیل، ترجمه: خسروی، چاپخانه حیدری، 1331 ش.
23. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ترجمه: محمد علی لسانی فشارکی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ج اول.
24. صغیر، محمد حسین علی، تاریخ القرآن، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1369 ش.
25. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، مؤسسة الاعلمی، بیروت، 1415 ق.
26. عاملی، سید جعفر، حقایق مهم پیرامون قرآن کریم، ترجمه: سید حسن اسلامی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1377 ش، ج سوم.
27. عاملی، سید مرتضی، الحقائق الهامه حول القرآن الکریم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1410 ق، ج اول.
28. همو، الفصول المهمه فی تألیف الامه، تحقیق عبدالجبار شراره، مجمع التقرب، 1417 ق.
29. عبدالصبور شاهین، تاریخ القرآن، افشار، 1388 ش.
30. عسکری، سید مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرسین، شرکت التوحید، 1417 ق.
31. فقهی زاده، عبد الهادی، پژوهشی در نظم قرآن، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، 1347 ش، ج اول.
32. فیض کاشانی، ملامحسن، المحجه البیضاء فی احیاء الاحیاء، تصحیح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، 1303 ش.
33. قرطبی، ابو عبدالله، الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1417 ق.
34. قفطی، ابوالحسن علی بن یوسف، انبأ الرواه علی أنباه النحاة، قاهره، 1926 م.
35. کاند هلوی، محمد یوسف، حیاة الصحابه، دارالنصر، قاهره، 1389 ق.
36. کتانی، عبدالحی، التراتیب الاداریه، دارالکتاب العربی، بیروت، افست، 1347 ق.
37. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، شرح کمره ای، دارالکتب الاسلامیه.
38. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، بیروت، 1381 ق.
39. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، دارالوفاء، بیروت.
40. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، سمت، 1384 ش، ج هفتم.
41. نابلسی، عبد الغنی، شرح الطریقه المحمدیه، دار الحدیفه، 1276 ق.
42. نولدکه، تئودور، تاریخ قرآن، تعریب: جورج تامر، دارالنشر جورج المز، بیروت، 2004 م، ج اول.
43. نیشابوری، حاکم، المستدرک علی الصحیحین، دارالمعرفه، بیروت، 1400 ق.

44. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
 45. هیثمی، احمد بن حجر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، دارالکتب العلمیه، بیروت، 1408 ق.

مقالات

1. رضایی، محمد علی، «معنای جمع قرآن»، صحیفه مبین، ص 54-60، سال چهارم، ش 4.
2. نولدکه، تتودور، تاریخ القرآن «نقد و بررسی روایات جمع قرآن» بازنگاری فرید ریش شوالی، مجله علوم حدیث، ترجمه: مرتضی کریمی نیا، ش 1-2، ش پیاپی 35-36، سال دهم، 1384 ش، سال دهم.
3. همو، «مصاحف قرآنی پیش از نسخه عثمان» بازنگاری فرید ریش شوالی، مجله ترجمان وحی، ترجمه: مرتضی کریمی نیا، ش 1، ش پیاپی 19، سال دهم، 1385 ش.

منابع انگلیسی

1. Richard Bell, Introduction to the Quran, completely revised & enlarged by W. Montgomery Watt, Edinburgh: Edinburgh University Press, 1970.
2. Theodor Noldeke, Geschichte des Qorans, zweite Auflage bearbeitet von Friedrich Schwally, Gotthelf Bergstraber & Otto Pretzl, Leipzig: Dieterich sche Verlagsbuchhandlung, 3 Bande, 1909, 1919, 1938. Hildesheim, Zurich & New York: Georg Olms Verlag, 2000.
3. Christian Snouch- Hurgronje, "Theodor Noldeke: 2. Marz 1836- 25 Dezember 1930", Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft, 85(1931) pp.239- 281.